

نظریه امام مستقر و مستودع در

معتقدات فرقه اسماعیلیه

تقسیم امامت با امامت مستقره و امامت مستودعه و امتیازی که پیروان اسماعیلیه بین امام مستقر و امام مستودع قائل شده‌اند و مطابق معتقدات مذهبی خود اتصال ریشه نسبت جسمانی بحضرت فاطمه زهراء و حضرت مولی علی بن ابی طالب را برای نائل شدن بهردو یا یکی از این دو تا لازم و ضروری میدانند یکی از نظریات خطیر و مهم در معتقدات مذهبی فرقه اسماعیلیه است.

صرف نظر از تأثیر مهمی که این مسئله در تاریخ سیاسی این فرقه داشته از حیث اینکه تا حدی طریقه حل نسب خلفاء فاطمیین مصر را که یازده قرن تمام مورد اختلاف نظر شدید مورخین بوده بدست میدهد از جمله مباحث بسیار ممتع تاریخی و از جنبه ملل و نحل حائز اهمیت است.

قضیه نسب خلفاء فاطمیین مصر یکی از معضلات تاریخی قرون اولیه اسلام است که از بدو ظهور و تأسیس خلافت فاطمیین در مغرب بدست عبیدالله المهدی تا کنون مورد اختلاف نظر شدید مورخین در درستی یا نادرستی اتصال رشته نسب آنها بحضرت فاطمه زهرا و علی بن ابیطالب بوده است. همیشه دشمنان مذهبی و سیاسی آنان اعم از خلفاء عباسی و اموی و سلاطین و مورخین و نویسندگان مذهبی بدون رعایت احترام انتساب آنها بخاندان نبوت و ولایت منتهای استفاده تبلیغی را از این اختلاف بضررشان نموده و از وارد کردن انواع و اقسام طعن و قدح در نسب آنان در بیخ نورزیده‌اند. چنانکه طبق دلالت متون تواریخ معتبر القادر بالله خلیفه عباسی متوفی در سال ۴۲۲ هجری محضر تاریخی مشهور را در سال چهارصد و دو هجری مشتمل بر طعن و قدح در نسب خلیفه وقت فاطمی و اسلاف وی و نفی انتساب آنها بحضرت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب و فاطمه زهراء تنظیم کرده و آنان را ادعیاء در نسب خوانده و با استفاده از قدرت خلافت مسلمین علماء سنی مقیم بغداد عموماً و بعضی علماء شیعه را وادار بامضاء و تصدیق مندرجات آن نموده و بوجوب ورقه مذکور پس از دادن نسبت یهودی زادگی و اتصال رشته نسبشان بدیسمان مؤسس مذهب دیسمانیه در محیط پهناور عالم اسلامی آن روز انتساب آنان را بخاندان نبوت و ولایت بدون واقعیت و فاقد حقیقت اعلام نمود.

مراتبی که ذیلا در ابضاح مبنا و مبادی امام مستقر و مستودع نگاشته میشود تا حدی طریقه حل مشکله نسبی مزبور را بدست میدهند. ولی قبل از شروع به بیان اساس موضوع بایستی این نکته را در نظر گرفت که گرچه از آغاز ظهور و شروع بتبلیغ و دعوت باین مذهب و

پی‌ریزی بنیان آن بدست ابی الخطاب (محمد بن ابی زینب یا مقلص بن ابی الخطاب (۱) تا زمان تأسیس خلافت فاطمی‌ها در مغرب که با اصطلاح اسماعیلی‌ها دوره ستراول نامیده میشود دعوت مذهبی فرقه مزبور سری بوده و ائمه و رجال دعوت از ترس مأمورین و جاسوسهای خلفاء عباسی که بجان آنان هم ابقاء نمیکردند تقیه و ستر را وسیله حفظ جان امام و خود دانسته و با معتقد بودن بلزوم استتار امام و در پرده اختفا بودن اقدامات و افعال رجال دعوت و ناشناس بودن شخص آنها تا زمانی که دارای قدرت مادی برای ظهور بشوند در آن مدت طوری در پرده ستر و اختفاء اقدام با امور دعوت و تبلیغ مینمودند که احدی جز عده معدود زعماء دعوت از هویت امام و دعاة و از ماهیت و مبانی عقائد آنها مطلع نبوده. لکن پس از پایان دوره ستراول و تأسیس خلافت فاطمیین در مغرب (سال ۲۹۷ هجری) تا اواسط قرن ششم هجری که بدست صلاح‌الدین ایوبی منقرض شدند در نتیجه اهتمام و مجاهدات کاملی که خلفاء شخصاً بمنظور اشاعه دعوت و ترویج مذهب خود مصروف میداشتند و تأسیسات بسیار وسیع و مهمی که بنام دارالعلم و مجالس حکمت تأویلی مرکب از بزرگان و دعاة دانشمندان آن مذهب تشکیل میشد یکی از ثمرات مجاهدات فوق بوده و بر اثر انتشار کتب بی‌شماری که خلفاء خودشان و سایر دانشمندان بششعیع و ترغیب آنان تألیف نمودند بکلی اسرار و رموز دوره ستراول و مبادی و اصول معتقدات مذهبی آنان از پرده ستر و اختفا خارج شده و در دسترس اطلاع عامه مردم اعم از معتقدین ب مذهب مزبور و سایرین قرار گرفته و کسی از انتشار و اشاعه اصول و مبانی اعتقادی و مذهبی جلوگیری نمیکرده است. معذک پس از گذشتن مدت خیلی کمی از پایان یافتن دوران طلایی و مشعشع خلفاء فاطمی بر اثر علل و موجباتی که بطور خلاصه بشرح آن خواهیم پرداخت غالب معتقدات فرقه اسماعیلیه مخصوصاً موضوعاتی که با مقایسه بقایید سایر فرق اسلامی غرابت و ظرافت فوق‌العاده داشته و از جنبه تاریخی علم ملل و نحل حائز اهمیت بسزائی بوده (مانند همین نظریه امام مستقر و مستودع) بنام معنی مکتوم و مستور مانده و علاوه از اینکه از دسترس اطلاع غیر معتقدین ب مذهب مزبور خارج بوده بجز عده معدودی زعماء فرقه مزبور عامه بیرون آن مذهب نیز از اطلاع یافتن با اسرار و رموز مذکور در فوق محروم بوده‌اند. موجبات و علل اختفا و استتار قسمت مهم معتقدات مزبور بنا بر آنچه از تواریخ قدیم مستفاد شده و کتبی که اخیراً در نتیجه فداکاری و مجاهدات قابل تقدیس و تمجید علماء معاصر و محققین اسماعیلی و مستشرقین انتشار یافته عوامل و حوادث زیر میباشد :

- ۱- پس از انقراض خلفاء فاطمیین مصر بدست صلاح‌الدین ایوبی (سال ۵۶۷ هجری) از طرفی بقتضای تمصب خشک منتج از نادانی و کوتاه فکری و از طرف دیگر عداوت بانثیعی و بر اثر غرور حاصل از پیروزی و بنا بسیره معمولی سلاطین و رؤساء حکومتی که با غلبه و پیروزی سیاسی باینوسیله نمک بجرامی و خیانت بسلف خود وارث حکومت و سلطنتشان شده
- ۱- از مندرجات صفحه ۹۷ - «ام‌الکتاب» (از کتب سری و مقدس اسماعیلیه که اخیراً بجاپ رسیده) و نیز فرق الشیعه نویختی صفحه ۶۹ - چاپ نجف - استفاده میشود که بنیان مذهب اسماعیلیه را ابوالخطاب پی‌ریزی نمود.

و آتش خشم و کینه خود را بنا بود کردن آثار گرانها و نفایس باقی مانده آنان فرومی نشانند و غالباً خسران این قبیل تعصبات و کوتاه فکری ها متوجه آثار و نفایس علمی و تاریخی شده زیان غیر قابل جبرانی را به مال علم و تاریخ و تمدن بشری تحمیل کرده و مدتها کاروان حرکت فکری را از صعود بدوره کمال جلو گیری مینماید. شخص مزبور پس از استیلا بر قصور و مراکز خلفاء سلف خود اولین آتش کینه و خشم را بکتابخانه های با عظمتی که از مفاخر جاویدان خلفاء فاطمی بشمار میرفت وارد کرد، کلیه کتب کتابخانه های مزبور را تفریط و اتلاف نمود قسمت عمده را که مشتمل بر کتب دعوت و بیان معتقدات مذهبی آنان بود بعنوان مبارزه با تشیع در تلهای پائین کوه مقطم ریخته و تلهای معروف بتل کتب را در آنجا بوجود آورد. بدینوسیله خواست آثار علمی و تاریخی و اعتقادی آنان را که دلیل بارز بزرگی و عظمت روح و آزادگی آنان بود بتصور کوتاه خود از بین ببرد.

تقی الدین علی بن احمد بن مقریزی در تاریخ نفیس خود موسوم بخط مقریزی پس از ذکر استیلاء صلاح الدین ایوبی بقصری که فاطمی ها برای دعوت مذهبی خود اختصاص داده و علماء و دعاة در زمان خلافت آنها بمنظور اخذ و تلقی علوم اهل بیت در آنجا اجتماع نموده و مجالس حکمت تأویلی نامیده میشد می نویسد: « از جمله چیزهایی که در بدو استیلاء صلاح الدین از بقایای خلفاء فاطمیین فروخته شد کتب کتابخانه های با عظمت اختصاصی قصر بود که از مفاخر فاطمیین بلکه از عجائب آنروز دنیا بشمار میرفت. همه مطلعین آن عصر معترف بودند که در جمیع بلاد ممالک اسلامی کتابخانه ای با عظمت تر از کتابخانه مخصوص بقصر در قاهره وجود نداشته است. این کتابخانه مشتمل بر یک میلیون و ششصد هزار جلد کتاب بود و از جمله هزار و دو بیست جلد تاریخ طبری در آن وجود داشت که یک نسخه از آن بخط خود مؤلف (محمد بن جریر طبری مورخ شهیر اسلامی) بود.

این گنجینه نفیس و قیمتی محتوی مهم ترین آثار علمی و تاریخی و از جمله مشتمل بر هیجده هزار کتاب در علوم اوائل یعنی فلسفه و ریاضیات و منطق و علم فلک بود. بر عکس تعصب خشک صلاح الدین ایوبی از نظر روح تسامح و سعه فکری که در نهاد خلفاء فاطمیین متمکن بود بیش از هر چیز آزادی افکار و عقائد را رعایت مینمودند. هدف عالی علم دوستی و دانش پروری آنها را از جمع آوری کتب مخالف معتقدات مذهبی شان مانع نشده و بطوریکه مورخین نوشته اند مقدار زیادی کتاب بنام «کلام مشارقة» که بر خلاف معتقدات مذهبی فاطمیین و حائز استدلالاتی بزبان شان بوده نیز جمع آوری نموده و در کتابخانه مخصوص قصر گذاردند. خلفا شخصاً در قصر خود با نهایت دقت آنها را محافظت و مراقبت مینمودند، اما این گنجینه دچار همان مصیبتی شد که خود خلفا فاطمیین هم بآن مصیبت دچار شدند. صلاح الدین ایوبی همانطور که دولت فاطمی ها را از بین برد و دچار اقرض نمود کتب مزبور را نیز بکلی از بین برد. وی پس از اینکه مقدار زیادی نفایس کتب مزبور را بنام مبارزه با تشیع اتلاف کرد بقیه را بدستیاری این صورت که دلال خرید و فروش کتاب بود در مدت چند سال بفروش رسانیده یک چنین منبع عظیم و پرارزشی را که حاوی ذخائر عالی انسانیت و علم بود بدست تعصب رهسپار وادی

تقریظ و نابودی گردانید .

در کتابخانه های نامبرده که عده آن بجهل میرسید نفاس بی شماری محتوی اطلاعات عمیق راجع بشرح حال و تراجم ائمه و دعاة و بزرگان دعوت مذهب اسماعیلی وجود داشت و نیز کتب زیادی شامل دقائق معتقدات پیروان مذهب مزبور در قسمت تزییل و تأویل، ابداع و خلقت ، مثل و ماثول ، ظاهر و باطن ، و مخصوصاً امامت و ولایت جمع آوری شده بود که غالب آن ها تألیف خود ائمه و خلفاء فاطمیین و دعاة بزرگ و دانشمندان آن مذهب بود و منتهای دقت را در محافظت آن ها بعمل می آوردند تا از هر نوع فساد و خرابی مصون بمانند . ما برای نشان دادن نمونه مراقبت خلفاء فاطمیین در حفظ کتب کتابخانه های خود شرح زیر را از کتاب سیره استاد جوذری که از مخطوطات مهم اسماعیلیه است و اتفاقاً از دستبرد صلاح الدین و این صورت سلامت رسته و شاید طبع و منتشر شده یا قریباً جزو مخطوطات اسماعیلیه طبع و منتشر شود ذیلاً نقل می نمایم . (۱) در کتاب مزبور از قول منصور جوذری کاتب نقل می کند : «خليفة فاطمی المنصور بالله بجوذر صقلی کاغذی نوشته باین مضمون : کتب خودو کتب ائمه بزرگوار و پدران خود را نزد تو فرستادم و آنها را از یکدیگر جدا و تمیز دادم ، کتاها را نزد خود نگاهداری تا که از هر گونه فساد و خرابی مأمون باشد . بعض این کتب که نزد من بوده برائز عدم مواظبت آب باوراق آن رسیده و آنها را فاسد و خراب کرده ، البته میدانی هیچ ذخیره و گنجینه ای پیش من نفیس تر و قیمتی تر از این کتب نیست ، بمحمد کاتب خودت امر کن از هر کدام از این کتب سه نسخه بردارد زیرا در این کتب از علوم و سیره بزرگان و ائمه دین مطالبی هست که خداوند تورا بوسیله آن خوشنود و مسرور می نماید »

۱- استاد جوذری صقلی یکی از رجال دوات فاطمی ها در مغرب قبل از فتح مصر و همچنین بعد از فتح مصر میباشد . امامورخین اذکر نام او در متون تواریخ غفلت کرده اند . و از زمان خلافت عبیدالله المهدی تا دوران خلافت الامزالدین الله چهارمین خلیفه مصدر خدمات مهم بود - و چنانچه بعداً معنی استیادع و امام مستودع را بیان خواهیم کرد القائم خلیفه دوم استاد خود را مستودع و ایامهد خود : (المنصور بالله) قرار داده - و این سر تا هفت سال مکثوم بوده - بعد از هفت سال رسماً ولایت عهد (المنصور بالله) اعلام شد . دانشمند محقق معاصر دکتر محمد کامل حسین وعده داده کتاب استاد جوذری را که بنام (سیره استاد جوذری) نامیده شده جزو مخطوطات اسماعیلیه طبع و منتشر نماید .

خنده دو بار هدم

گسل درخ می چنان بخندید	کش مغز در استخوان بخندید
ساقی لب چون عقیق بگشاد	ناگه بومه دهان بخندید
شد باغ ز خنده اش چنان خوش	کساندر تن لاله جان بخندید
بالاله عقیق هم رهی جست	یا قوت میان کان بخندید
می نیز زشادی ، ارچه پیرست ،	در روی گل جوان بخندید
وز خنده این دو بار هدم	جان تازه شد و جهان بخندید

مرزبان فارسی